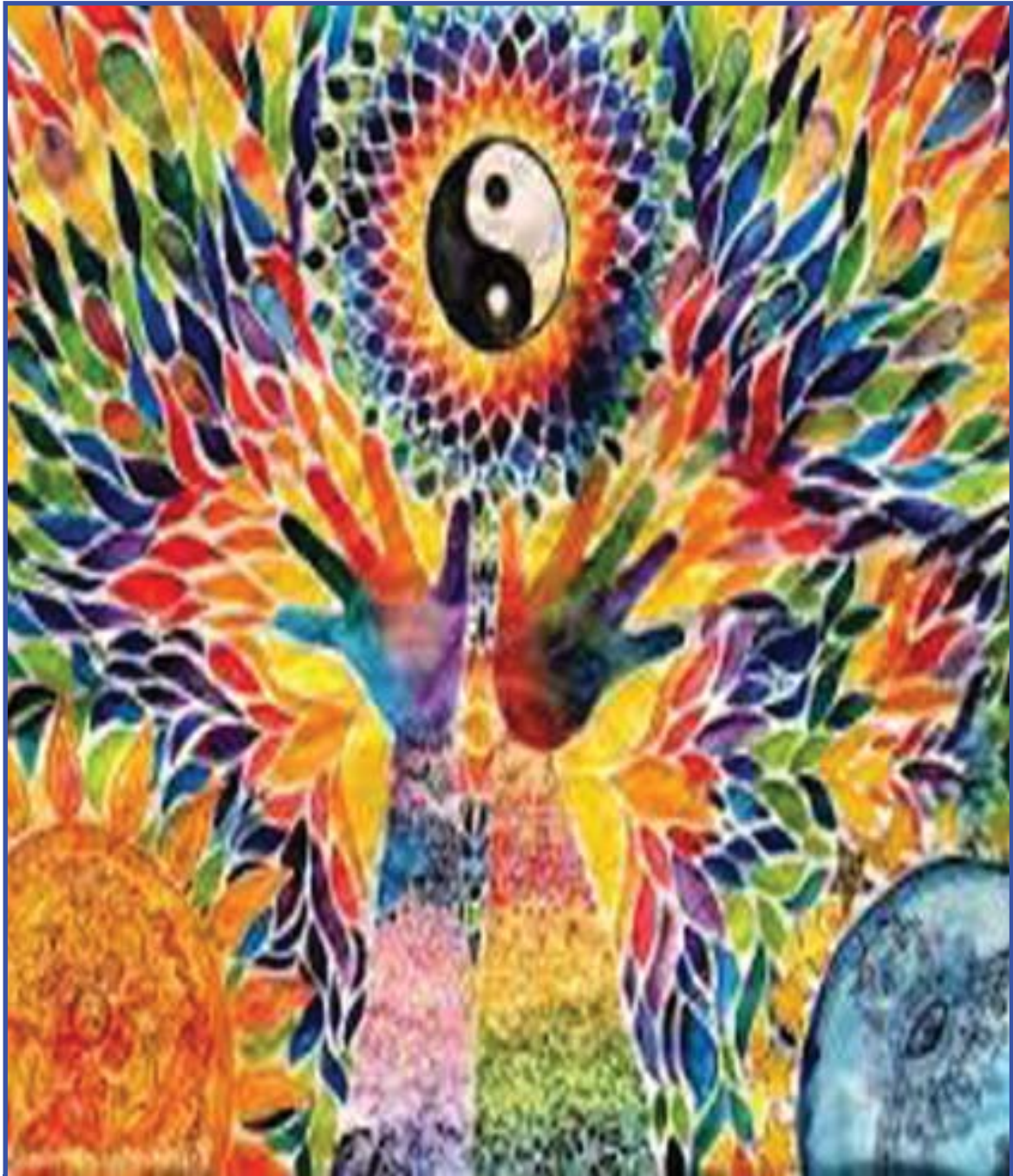




# داروگ

نشریه‌ی جوانان - شماره‌ی ۳۲ - مارس ۲۰۱۵



نه به تبعیض جنسیتی!

## سخنی با شما

دوستان جوان خویم، سلام!  
این اولین شماره ی «داروگ» در سال ۲۰۱۵ است، سالی که به آن میلینیوم، یعنی سال هدف هزاره سوم، می گویند. این شماره را به مناسبت روز جهانی زن، به کودکان دختر اختصاص داده ام. هدف هزاره سوم به معنی باسواد شدن و به مدرسه رفتن تمامی کودکان جهان است. بگذارید قدری بیش تر درباره ی هدف هزاره سوم بگویم. در سال ۱۹۹۹ هم زمان با رژه ی جهانی علیه کار کودکان و تصویب مقاوله نامه ی ۱۸۲ سازمان جهانی کار مبنی بر ممنوعیت کار پر مخاطره برای کودکان زیر پانزده سال، نهادی متشکل از اتحادیه های کارگری، گلوبال مارش، اتحادیه معلمان جهان و نماینده گان دولت ها، برای رسیدگی به این امر و دست یابی به هدف حق تحصیل همه ی کودکان تا سال ۲۰۱۵ شکل گرفت. این تشکل در طول این سال ها تلاش های زیادی کرد، برگزاری سمینار، جمع آوری امضا، و پیش بردن طرح ها، اما متأسفانه هنوز به هدف خود نرسیده است و هم چنان آن را دنبال می کند. اما در این میان، و از بین تمامی کودکان، سهم کودکان دختر از این بی حقوقی بیش تر است. چرا؟ سعی می کنیم در این شماره با دادن اطلاعاتی به بزرگ ترها و شما و گرفتن نظرات تان، به سهم خودمان بتوانیم به درک این امر کمک کنیم. بی صبرانه منتظر نامه های شما هستیم. همین جا باید از همه ی شماها که برایم ا. میل زدید یا نامه فرستادید، تشکر کنم.

همان طور که می دانید در جهان پیش رفته و پر از امکانات ما، هنوز در بسیاری از عرصه های زندگی، زنان از حقوق برابری با مردان برخوردار نیستند. سال های سال پیش، یعنی در قرن گذشته، عده ای از زنان و مردان برابری طلب روزی را به نام روز زن نام گذاری کردند؛ در ۸ مارس سال ۱۹۱۹. از آن روز به بعد در سراسر جهان، هر ساله روز زن جشن گرفته می شود و در این روز به بحث و گفت وگو و اندیشیدن راه چاره برای ازبین بردن نابرابری و دست یابی زنان به حقوق شان پرداخته می شود. من هم تصمیم گرفتم این شماره را به مساله ی کودکان دختر و رفع تبعیض جنسیتی از آنان، یعنی از بین بردن تمامی تفاوت های حقوقی و فرهنگی و اجتماعی بین کودکان دختر و پسر اختصاص بدهم. باشد به کمک شما که جوانید و پر توان، و با دامن زدن به این مباحث، بتوانیم به دوستان کوچک مان کمک کنیم.

در آرزوی نامه ها و نظرات شما!

«داروگ»

۸ مارس ۲۰۱۵



## داروگ

نشریه ی جوانان

شماره ۳۲ - مارس ۲۰۱۵

سر دبیر: سوسن بهار

آدرس:

Darvag  
Box 854  
101 37 Stockholm - Sweden

آدرس پست الکترونیکی:

darvag\_darvag@yahoo.com

آدرس سایت اینترنتی:

www.darvag.com

شماره تلفن:

(046) 70- 21 55 257

جیروی پستی:

Postgiro: 1060493-2

ISSN: 2402 - 5914

## فهرست مطالب

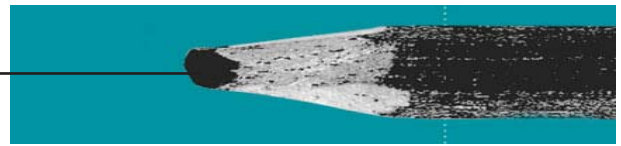
- \* سخنی با شما ۲ صفحه ی «داروگ»
- \* سخنی با بزرگ ترها ۳ صفحه ی «داروگ»
- \* رومانا ۷ صفحه ی سوسن بهار
- \* می ۸ صفحه ی سوسن بهار
- \* از دفتر خاطرات یک دختر جوان ۹ صفحه ی «داروگ» می پرسد
- \* تازه های علم ۱۰ صفحه ی «داروگ» می پرسد
- \* شعر ۱۲ صفحه ی «داروگ» می پرسد
- \* \* \* ۱۴ صفحه ی «داروگ» می پرسد

تم این شماره ی «داروگ»:

نه به تبعیض جنسیتی!



## سختی با بزرگ‌ترها!



به فرد روبرو هستند، تلاش‌های زیادی از طرف گروه‌های مختلف اجتماعی بر روی مسأله‌ی احقاق حقوق کودکان دختر و رفع تبعیض جنسیتی از آن‌ها صورت گرفته و می‌گیرد. از جمله گلوبال مارش فعالیت‌های زیادی در این زمینه سازمان داده است. به دنبال این فعالیت‌های همه‌جانبه، سازمان ملل در کنفرانس برزیل به دنبال کمپین جهانی گلوبال مارش روز ۱۱ اکتبر سال ۲۰۱۳ را به روز جهانی کودکان دختر اختصاص داد و اولین قدم را تمرکز بر کودک همسری و ممنوعیت ازدواج کودکان تعریف کرد و آن را نقض آشکار حقوق بشر نامید. در دفترچه‌ای که گلوبال مارش در باره‌ی وضعیت کودکان دختر منتشر کرد، آمده است: کودک همسری نه تنها نقض آشکار حقوق بشر است بلکه بر تمامی جنبه‌های زندگی دختران تأثیر مخرب و منفی دارد، بسیاری از کشورها ازدواج دختران کوچک را انکار می‌کنند. کار کودکان دختر هم معضل بزرگ دیگریست که زندگی و کودکی آن‌ها را تبار می‌کند، کار خانگی کودکان به عنوان خدمتکاران کوچک نه تنها کار نامرئی است، بلکه دوران کودکی آنان را مختل، فرصت آموزش و پرورش آن‌ها را محدود و خطر ابتلا‌ی آنان به قربانیان خشونت و آزار جسمی و جنسی را افزایش می‌دهد. این امر به نوبه خود؛ از آن‌جا که دختران به مثابه مادران آینده منبع قدرت و حمایت خانواده هستند و عدم رشد و بالندگی آنان به مانعی برای دست‌یابی به تقریباً هر هدف توسعه و توسعه‌ی سالم جوامع تبدیل می‌شود. مسأله‌ای بسیار مهم است.

در سراسر جهان یک سوم زنان بیست تا بیست و چهارساله زیر هجده سال ازدواج کرده‌اند. و یک سوم از این‌ها قبل از ۱۵ ساله‌گی است. بیش از ده میلیون دختر جوان مجبور به ازدواج با مردانی شده‌اند که همسن پدران یا پدر بزرگ‌های شان بوده‌اند.

با اختصاص دادن روز یازده اکتبر به روز جهانی کودکان دختر، سازمان ملل تمامی دولت‌ها، نهادها و فعالان اجتماعی را مخاطب قرار داده، خواستار هم‌کاری آن‌ها برای اقدام فوری جهت پایان بخشیدن به کودک همسری به عنوان عملی مضر برای کل جامعه شده است. ۸ مارس امسال را به روز جهانی علیه کار کودکان دختر تبدیل کنیم. با ستایش تمامی روح‌های جوانی که با شجاعت برای حقوق و آزادی هم‌تایان خودشان در سراسر جهان تلاش و مبارزه می‌کنند، از جمله ملالا یوسف‌زای. همسو با روز جهانی کودکان دختر، ۸ مارس را به روز گسترش حمایت و ایفای سهم در روز بین‌المللی کودکان دختر، برای فعال کردن دختران بیشتر و توسعه و تحقق بخشیدن به کمال بالقوه آن‌ها تبدیل کنیم. دسترسی به آموزش با کیفیت و خوب و پایان دادن به بهره‌کشی از دختران کوچک، بهبود وضعیت آموزشی و دسترسی آن‌ها به آن از جمله هدف‌هایی است که می‌بایست پیش‌روی همه ما قرار بگیرد. در حال حاضر و در سراسر جهان، ۳۲ میلیون دختر در سن دبستان و ۳۴ میلیون در دوره

با سلام و آرزوی شادی سلامتی برای شما بزرگ‌ترهای عزیز که به سرنوشت کودکان علاقمندید و در راه رسیدن به حقوق کودکان قدم در راه دارید. یکی از مسائل مهم در زمینه کار کودکان و بی‌حقوقی آنان وضعیت کودکان دختر و مقوله‌ی تبعیض جنسیتی است. این شماره را که در ماه مارس منتشر می‌شود و به مناسبت ۸ مارس روز جهانی زن به رفع تبعیض جنسیتی اختصاص داده‌ایم، باشد که با پرتو افکنی بر روی وضعیت بی‌حقوقی کودکان دختر به دلیل جنسیت‌شان و نشان دادن ابعاد آن در راه رفع تبعیض از کودکان دختر از جمله، در خانه و خانواده تلاشی کرده باشیم. به امید شرکت شما پدر و مادرهای عزیز در این بحث مهم. و به چالش کشیدن وجوه اجتماعی فرهنگی این مقوله.

### چه کسی می‌گوید دختران بفش‌های ضعیف‌تر جامعه هستند؟

دختران و زنان جوان نه تنها یک منبع انرژی و حمایت از خانواده و فرزندان خویش‌اند بلکه می‌توانند اجتماع را به طریق مثبت تغییر دهند، شرکت زنان در عرصه‌های گوناگون زندگی از غم‌انگیزترین و دردآورترین آن‌ها مثل جنگ، گرفته، تا شادی آورترین آن‌ها یعنی عرصه هنر و خلاقیت و فعالیت اجتماعی نقش دارند. برای مثال یک مورد آن ایستاده‌گی دختران جوان یا صحیح‌تر بگویم طبق تعریف کنوانسیون حقوق کودک، کودکان دختر زیر ۱۸ سال در کوبانی و نقشی که در تعیین سرنوشت کل مردم این منطقه داشته‌اند است که بدون شک قرن‌ها در خاطره بشر حفظ خواهد شد.

همان‌طور که مبارزه و اعتصاب کارگران زن پوشاک شیکاگو در قرن پیش فراموش نشده، بلکه سرمنشا روز جهانی زن ۸ مارس گردید. مثال دیگری در این زمینه ملالا یوسف‌زای است. او که در ۱۴ سالگی به دلیل فعالیت‌هایش به عنوان یک کودک، برای حق مدرسه رفتن، با سواد شدن دختران و کلابچه‌ها مورد اصابت گلوله قرار گرفت و در سن ۱۷ سالگی به دلیل فعالیت‌های درخشانش جایزه نوبل دریافت کرد در این‌جا بحث بر سر ماهیت جایزه نوبل و درست بودن یا نبودن آن نیست، بلکه می‌خواهم این را بگویم که وقتی طبق معیارهای همین جامعه، جامعه‌ای که متأسفانه علی‌رغم پیشرفت‌هایش هنوز زنان و دختران دچار مشکل و عدم تساوی حقوقی در بسیاری از جوامع و بی‌حقوقی مطلق در بعضی دیگرند، چه برسد به اصل برابری واقعی انسانی؛ بلکه وقتی در چنین فضایی ملالا جایزه نوبل می‌گیرد آن‌هم نه جایزه صلح نوبل از نوع سیاسی آن، بلکه به دلیل تلاش چشم‌گیر و پرتلاش که جهانی را خیره کرد خود بخود بر امر دخالت زنان در مسائل سیاسی و اجتماعی صحنه می‌گذارد. مثال‌ها را برای این آوردم که نقش زنان و دختران جوان را در تأثیرگذاری بر پیرامون شان روشن کرده باشم. دختران زیادی در جهان امروز ما با چالش‌های بی‌شمار و منحصر

است که اثرات مخربی بر جسم و جان کودکان دختر و هم‌چنین پسر می‌گذارد. سوء استفاده و آزار جسمی و خشونت بر عاطفه و ذهن آن‌ها تأثیرات مرگ‌باری بر جای می‌نهد. از مجموع کودکان کار بین ۵ تا ۱۷ سال، ۵ میمیز ۸ در صد به کار خانه‌گی مشغولند. ثالثاً مقررات ملی کافی برای رسیدگی به این امر وجود ندارد و از آن‌جا که کار خانگی نامرئی است، کمتر مورد آمار گیری قرار می‌گیرد و شناسائی می‌شود. این کار که در ماهیت خطرناک است، از آن‌جا که در چهار دیواری خانه انجام می‌گیرد شامل قانون هم نمی‌شود. تنها ۱۰ کشور کنوانسیون سازمان جهانی کار، کنوانسیون ۱۸۹ که به وسیله‌ی گلوبال مارچ طرح و به تصویب این سازمان رسید را پذیرفته‌اند. این کنوانسیون به معنی ممنوعیت کار خانگی برای کودکان است. البته با وجود این که تقریباً تمامی کشورها کنوانسیون ۱۸۲ مبنی بر ممنوعیت کار کودکان در عرصه کارهای پر مشقت را تصویب کرده‌اند، اجرا نمی‌کنند یا مثل کشور ایران با آوردن تعاریف کنوانسیون تطبیقی عملاً آن را زیر پا می‌گذارند. به‌طور کلی از نگاه آماری در مورد کار کودکان علی‌العموم و کودکان دختر به ویژه تیتروار به آمار سازمان جهانی کار و گلوبال مارش توجه کنید:

از مجموع کودکانی که در سطح جهان کار می‌کنند یعنی مجموع ۱۲۹ میلیون کودکی که در عرصه کار پر مخاطره کار می‌کنند ۹۰ درصد را کودکان دختر تشکیل می‌دهند ۸۸ میلیون کودک دختر بین سنین ۵ تا ۱۷ سال در عرصه‌های کار پر مخاطره به کار مشغولند از مجموع ۵۷ درصد کودکانی که خارج چرخه‌ی تحصیل قرار دارند ۳۲ میلیون از کودک دخترند. آمار سال ۲۰۱۰ از وجود بیست و هفت میلیون کودک برده در جهان معاصر که بدون هیچ دستمزدی استثمار می‌شوند، خبر می‌دهد. پنج میمیز پنج درصد کودکان زیر ۱۵ سال برده‌اند و بخش قابل ملاحظه‌ای، ۱۱ درصد شان را کودکان دختر تشکیل می‌دهند.

براساس گزارش سازمان بهداشت جهانی در نوامبر سال ۲۰۱۱، هر ساله میلیون‌ها زن جان خود را بر اثر عواملی از دست می‌دهند که برای مردان قابل اجتناب است. علاوه بر مرگ و میر ناشی از زایمان و از میان بردن نوزادان دختر، زنان بیشتر از مردان در معرض خطر ابتلا به ایدز و افسرده‌گی هستند، بیشتر قربانی خشونت خانگی می‌شوند و کمتر به مراقبت‌های بهداشتی اولیه‌ای دسترسی دارند که در بهبود وضع سلامتی آنان مؤثر است. این مساله در مورد کودکان دختر هم صادق است از مجموع ۷ میلیون کودکی که به دلیل جنگ‌های اخیر پس از جنگ جهانی به بیماری روانی و افسرده‌گی مبتلا گشته‌اند؛ بیش از نصف شان را کودکان دختر تشکیل می‌دهد.

درباره توجه به تبعیض جنسیتی در ارائه خدمات درمانی برخی ابتکارها که در بعضی کشورها در سطح ملی انجام شده نمونه‌های خوبی برای الگوبرداری در زمینه رفع تبعیض جنسیتی در ارائه خدمات درمانی هستند. این حرکت‌ها که برای مبارزه با نابرابری اجتماعی، جنسیتی و تبعیض ایجاد شده‌اند، به بهبود شرایط بهداشت و سلامت زنان نیز توجه دارند. برای مثال برنامه‌ای برای حمایت اجتماعی فقرا در شیلی با ره‌یافتی ضد تبعیض جنسیتی و طبقاتی اجرا شد که شامل یک برنامه فراگیر برای رشد کودکان در سنین پایین است. اسم برنامه، شیلی با شما رشد می‌کند بود و هدف آن تامین سرپرستی، آموزش و خدمات درمانی برای کودکان در سنین پایین است، تا آنان

دبیرستان از تحصیل محروم مانده‌اند، جزوه گلوبال مارش هم چنین می‌گوید: ۸۸ میلیون دختر در سن ۵-۱۷ سال در حال کار در شرایط ناسالم و پرخطر در بخش کشاورزی، کارخانه‌ها، تولیدی‌های کوچک، و غیره به عنوان کارگران کودک مشغول به کارند.

آیا داستان مینای جوان را شنیده‌اید؟ مینا دختر ۱۷ ساله‌ای کارگری است که از دوران کودکی از زادگاهش ربه‌ده شده و در دهلی نو کشور هندوستان در یک کارگاه زیر زمینی در وضعیت برده‌گی به کار مشغول بود تا این که چند سال پیش توسط فعالان گلوبال مارش آزاد شد. مینای دزدیده شده را درازای مبلغ ناچیز ۲۲۰۰۰ روپیه، می‌خواستند به باند قاچاق دختران کوچک و زنان بفروشد تا قربانی صنعت و برده‌گی سکس شود. مینا قبل از آن هم به عنوان یک خدمتکار به یک خانواده فروخته شده بود. او اغلب مورد ضرب و شتم و سوء استفاده بر سر مسائل بی‌اهمیت قرار می‌گرفت بدترین که مینا توسط یک سبزی فروش مورد تجاوز جنسی قرار گرفته بود. اگر شما حتی این داستان خاص مینا را نشیده باشید، قطعاً می‌توانید با داستان‌های شبیه این آشنا باشید. شما حتماً دخترهای جوانی مثل مینا و یا حتی دخترانی جوان تر از او را در خانه، محله و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنید می‌بینید.

حدود ۷،۵ میلیون دختر زیر سن ۱۸ سال در کار خانه‌گی استثمار می‌شوند، از مجموع کل کودکانی که به کار خانه‌گی در سطح جهان می‌پردازند، ۷۰ درصد شان را کودکان دختر تشکیل می‌دهند. این دختران به انجام کارهای خانه از قبیل شست و شو، رفت و روب، پختن غذا، خرید، مراقبت و نگه داری از کودکانی که شاید فقط چند سال یا حتی چند ماه از آن‌ها کوچک تر باشند، یا مراقبت از افراد مسن یا حیوانات خانگی می‌پردازند. در این نوع از کار کودکان دختر، اغلب حقوق آن‌ها به سختی مثل مورد مینا پرداخت می‌شود یا اصلاً هیچ دستمزدی دریافت نمی‌کنند. این دختران با آزار جسمی و جنسی روبرو هستند. این بچه‌ها اوقات فراغت بسیار ناچیز و ساعات کار طولانی دارند. بعضی‌هاشان به طور واقعی ۲۴ ساعت مشغول کارند. تجاوز کلامی، سرزنش، اهانت؛ تحقیر از جمله آزارهای دیگر است که این کودکان می‌بینند. این کودکان همیشه مورد خشونت، تهدید کلامی و فیزیکی قرار می‌گیرند همچنین مورد سوء استفاده جنسی توسط کارفرمایان یا افراد خانواده خود قرار دارند. بسیاری از این‌ها مورد تجارت و قاچاق انسان هم هستند. مثلاً دختران هندی را به نپال می‌برند و در غرب آفریقا، اکثراً به توگو برده می‌شوند. شواهد و تحقیقات کافی نشان می‌دهند که کار خانگی کودکان مخمل رشد آن‌ها و از بین بردن سلامت کلی شان و جلوگیری از رشد آن‌ها به عنوان کودک است. نیاز به مقابله با این ظلم و جنایت به وضوح روشن است.

در کنفرانس برزیل بر این نکته تأکید شد. دلایل متعددی برای تمرکز بر کار خانگی وجود دارد.

در وحله اول، طبقه مرفه و متوسط رو به رشد است و تقاضای زیادی برای جذب کودکان به کار خانگی به دلیل ارزان بودن کار این کودکان وجود دارد. آمار سال ۲۰۱۲ نشان داد که تعداد کودکان کار خانگی از ده و نیم میلیون در سال ۲۰۱۰ به یازده و نیم میلیون در سال ۲۰۱۱ افزایش پیدا کرده است. و اغلب این یازده و نیم میلیون نفر را باز کودکان دختر تشکیل می‌دهند. جدا از این انواع دیگر کار پر مشقت

بتوانند از نظر جسمی، اجتماعی و عاطفی پرورش مناسبی پیدا کنند. در این برنامه، همچنین حق مادران شاغل برای شیر دادن به نوزادان به اجرا درآمده است و بر استخدام زنان تاکید شده است. گزارش مقدماتی سازمان بهداشت جهانی درباره وضعیت سلامت زنان با عنوان ز گهواره تا گور هنوز کار زیادی دارد تا تکمیل شود. البته این امر ناشی از کوتاهی سازمان بهداشت جهانی در ارائه گزارشی کامل نیست بلکه همان طور که مارگارت چان مدیر این سازمان در بیانیه همراه این گزارش بیان کرده است: داده‌ها و مدارک موجود درباره وضعیت سلامتی زنان بسیار غیردقیق و ناقص است. آن اطلاعاتی هم که در دسترس است، فقط در مورد مسئله‌ی تولید مثل و سلامت جنسی زنان است. سازمان بهداشت جهانی تاکید دارد که: زنان فقط مادر نیستند و آنها باید در این تحقیقات به طور فعالی مشارکت داشته باشند. در این شکی نیست که خود زنان بهتر می‌توانند مسایل مربوط به بهداشت و سلامتی زنان را بررسی و درک کنند. آمار سال ۲۰۱۲ نشان میدهد که بیشترین تعداد کار کودکان در عرصه کار کشاورزی و خانه‌گی و تجارت انسان و برده‌گی سکس هست. از زمان تصویب کنوانسیون تا به حال از ۱۳۰ میلیون کودک در عرصه بی‌سوادی به ۵۷ میلیون رسیده اما ۱۵۰ میلیون کودک از سن ۵ تا ۱۴ مشغول کارند. سهم کودکان دختر ۳۲ درصد از این بی‌سوادی است. تعداد کودکان دختر در کارخانگی، از ده میلیون در سال ۲۰۱۰ به یازده میلیون در سال ۲۰۱۱ افزایش یافته است. از هر ده کودک کار دختر ۷ نفر در عرصه کشاورزی کار می‌کنند و تعداد کودکان دختر در کار خانگی از ۷ میلیون به ۸ میلیون و نیم تغییر کرده است. ۵۸٪ در صد از مجموع کارهای کشاورزی توسط کودکان انجام می‌گیرد. ۸۵ میلیون کودک در عرصه کار پر مخاطره و پنج و نیم میلیون کودک به کار برده‌گی مشغولند. از مجموع ۸۰ درصد انسان‌های که مورد تجارت قرار می‌گیرند، ۸۰ درصد از زنان تشکیل می‌دهند که ۵۵ درصد آن‌ها کودکان دخترند که این دختران، یک بلیون ۲۰۰ میلیون دلار را سالیانه به جیب سوداگران جان انسان‌ها سرازیر می‌کنند.

### اقداماتی که تا کنون صورت گرفته است:

در سال ۲۰۱۳ در کنفرانس برزیل روز ۱۱ اکتبر روز جهانی کودکان دختر نام گرفت که هدفش جلوگیری از استثمار کودکان در عرصه کار پر مشقت خانگی و کشاورزی بود. در سال دوهزار برای از بین بردن بیسوادی طرحی ریخته شد که به آن ملینیوم گل گفته شد به گفته‌ی ای او، دی چی (International organization Developmet Goals) علی‌رغم این که از آن سال تا به حال تعداد کودکان بی‌سوادی به مراتب کم‌تر شده است و کودکان زیادی از بردگی نجات یافته‌اند، اما مشکل به قوت خود باقی است در ماه‌های پایانی سال دوهزار ۱۵ طرح، ادامه این خواست و فعالیت بر سر آن به سال ۲۰۳۰ به عنوان سال پایان بخشیدن به بی‌سوادی کودکان دختر و رفع تبعیض و ستم جنسیتی از آنان مورد بررسی قرار می‌گیرد. کودکانی که طی پروژه‌های سال ۲۰۰۰ مورد حمایت قرار گرفتند امروز خود تبدیل به نوجوانانی شده‌اند که می‌توانند در فعالیت‌های گلوبال مارش و سایر نهاد‌های این ائتلاف برای پایان بخشیدن به بی‌سوادی و جلوگیری از کار کودکان در عرصه‌های پر مشقت شرکت کنند. داشتن برنامه‌های اقتصادی، سرمایه‌گذاری اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، دادن قدرت

### ایران

سازمان جهانی کار در سال ۲۰۱۳ آمار کودکان کار در ایران را ۹ میلیون اعلام کرد. از کل جمعیت ۱۰ تا ۱۹ سال ۱۵ میلیون یعنی ۵ درصد یک بار ازدواج کرده‌اند در کشورهایی که قوانین جاری از دستورات مذهبی پیروی می‌کند از جمله ایران که علی‌رغم امضا کردن کلیه کنوانسیون‌های مربوط به حقوق کودکان، به دلیل قوانین مذهبی نه تنها مدارس پسرانه دخترانه از هم جدا و دارای امکانات متفاوتی هستند، بلکه با اجباری بودن حجاب وضعیت جسمی و فیزیکی کودکان دختر دچار ضایعات فراوانی شده است. در کشور ایران سن قانونی بلوغ برای کودکان دختر ۹ سال و سن رسمی ازدواج ۱۳ سال است، اما سازمان ثبت احوال کشور در دسامبر دوهزار و سیزده، گزارشی از بیش از سی هزار ازدواج ثبت شده کودکان ۷ تا ۱۰ ساله را می‌دهد و فرشید یزدانی فعال حقوق کودکان و پژوهش‌گر، چندین سال پیش رقم ۸۴۸ هزار

کودک همسرا گزارش کرده است. ارقام مربوط به آموزش در سطح ابتدایی در سال ۲۰۰۱ کاهش در میزان تکمیل تحصیل را نشان می‌دهد و فقط ۵۲ ممیز ۷ درصد دختران ۱۴ تا ۱۶ ساله تحصیلات ابتدایی را به پایان رسانده‌اند، جدا از این که رقم ۵۲ ممیز ۷ درصد آمار دولتی در این زمینه است که یونیسف هم به عینه نقل می‌کند، خود این رقم به یک واقعیت دردناک در امر تحصیل در ایران می‌پردازد، اجبار به ترک تحصیل به دلایل اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی یونیسف می‌گوید: عوامل بازدارنده در امر پایان رسانی تحصیل شامل وضعیت بد مدارس، آموزگاران کم تجربه، کمبود آموزگاران زن و نگرش منفی نسبت به تحصیل دختران می‌شود. یونیسف قصد دارد که حق آموزش برای دختران برخی مناطق استان‌های محروم را که بشدت آسیب‌پذیر، حاشیه‌نشین، و در خطر هستند، مورد حمایت قرار داده و تحقق بخشد. این پروژه روش‌های نوین برای درگیرکردن مردم منطقه را معرفی کرده و کودکان حاشیه‌نشین و آسیب‌پذیر را که بیشتر از تحصیل محروم شده‌اند، در توسعه اقتصادی. این گزارش می‌گوید:



بر خواهد گرفت. اقدامات دیگر شامل اصلاح مواد آموزشی و استفاده از روش‌های یادگیری و آموزش با مشارکت دانش‌آموزان است. لازم به توضیح است که از این اقدامات تا کنون هیچ خبر مسرت بخشی نرسیده است. در این گزارش هم چنین آمده است: ایران هنوز باید با «کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان» موافقت نماید. شورای نگهبان که وظیفه نظارت بر مجلس را به عهده دارد، مخالف تصویب کنوانسیون است و بیان داشته که با قوانین شرعی هم خوانی ندارد. یونیسف به تلاش‌های خود برای تصویب کنوانسیون ادامه می‌دهد.

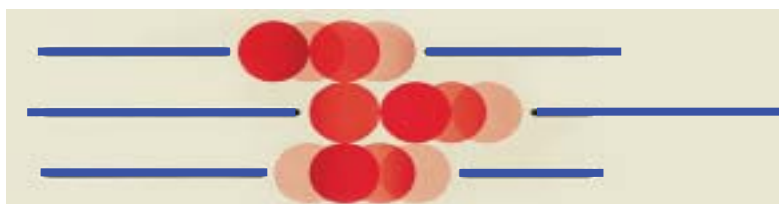


یونیسف تلاش می‌کند که دختران به مدرسه رفته و ترک تحصیل نکنند توافق کلی بر این امر وجود دارد که برای تحقق تحصیل همه‌گانی، استان‌های محروم باید به سطح ارقام ملی در این زمینه برسند. بطور نمونه، ارقام دولتی میزان ثبت‌نام برای تحصیل را ۹۷/۲ درصد نشان می‌دهد اما این ارقام در سیستان و بلوچستان میزان ۸۱/۸ درصد برای پسران و فقط ۷۱/۵ برای دختران را نشان می‌دهد. صحت و سقم این ادعای یونیسف را که ادعای مستقیم دولت ایران است باید از عمو خیاط‌ها که با شرایط بسیار سخت و بدون کمک از جانب یونیسف و دولت به امر تحصیل کودکان می‌پردازند و آمار بی‌سوادی و محرومیت از تحصیل را اسفناک می‌نامند، پرسید، در شماره‌های آینده داروگ و به مناسبت اول مهر و فصل مدرسه در ایران در این مورد به تفصیل صحبت خواهیم کرد، در این جا فقط به مساله زنان و دختران بنا به یونیسف می‌خواهیم نگاهی داشته باشیم. علی‌رغم ادعای آموزش ۹۷ درصدی، این گزارش اذعان می‌دارد که



# رومانا

سوسن بهار



مرده مانندش تشخیص داد. رومانا با خودش فکر کرد، اگر فقط زبان بلد بود. اگر یک لحظه تنه‌ایش می گذاشت، نه باز هم نمی شد.

از زمانی که با توافق پدر و مادرش در ازای مبلغی برای خرج عمل جراحی برادر کوچک به دنبال این مرد راه افتاده بود که برای کار کردن راهی اسکانندیناوی شود، سه ماه می گذشت، چه کارها که نکرده بود؟ از چیدن قارچ، چیدن، تمشک و توت فرنگی و بلوبری، آن هم ۱۴ ساعت در روز، در جنگل‌های تیره، گرفته، تا روی برف و سرما دم در متروها نشستن و گدایی کردن. اوایل از این که مرد به او جز برای کتک زدن دست نمی زدند. خوش حال بود، اما بعدها فهمید که او را

از زمانی که به اتاق اجاره ای نزدیک دریا رسیده بودند، بیش از نیم ساعت نم گذشت.

هنوز ساک‌های شان را نگذاشته و اتاق را بررسی نکرده بودند که، صدای ریزش باران بر سقف چوبی دختر را به صرافت ایستادن در زیر باران تابستان به یاد دوران کودکی انداخت. در رو به دریا را باز کرد. چشمانش از دیدن این همه زیبایی خیره شد. به قول خودش مثل صفحه‌ی کامپیوترهنگ کرد. سنبله‌های بنفش تیره‌ی گل یاسمین خوشه‌ای دور نرده‌های چوبی‌ی قهوه‌ای پیچیده بود پله‌ها را به پائین و دامن جاده سنگ فرش سفید، راهنمایی می کرد. از شادی فریاد کشید. دیدن بارانی که بر دریا می بارید، تا



برای فروش به قیمت بالا، دست نخورده گذاشته است. دل جوانش برای زیبایی‌ها پر می زد، نگاهش هنوز کودکانه و معصوم بود، اما فکر می کرد هیچ بارانی تنش را پاک نمی کند و هر گز احساس تمیزی نخواهد کرد.

حالا دیگر قطره‌های اشکش از دانه‌های باران پیشی گرفته بودند. دستانش را از هم گشود، به طرف مرد که هنوز فریاد می زد، مریض میشی فردا باید بری سر کار! نگاهی انداخت. رد پاهای کوچک جوانش درماسه‌های سفید، به جا ماند و پیراهن گلداری لیمویی‌اش بر دست‌های کف آلود موج چون دسته گلی بر سر راه مسافری ابدی تکان می خورد.

\* \* \*

بارانی که بر زمین ببارد، زمین تا آسمان تفاوت داشت. پای برهنه، سنگ فرش را تا ماسه‌های سفید دوید. پیراهن نازک گلداری لیموای بر تنش چسبیده بود و اندام کوچک و ظریف او را به نمایش می گذاشت

از نوک طره‌ی موهای حنایی و پر پشتش آب می چکید. صورتش را رو به آسمان گرفته بود و قطرات باران در سر راه غلتیدن برگونه‌های برجسته‌اش در مژه‌های بلند و برگشته‌ی او توقف می کردند و به حلقه‌های آن‌ها، آویزان می شدند و پایین می آمدند. صدای مرد بلند شد. کجا رفتی؟ بیا! سرما می خوری فردا باید بروی سرکار.

نگاهش را به مرد که در پنجره ایستاده بود دوخت، از این فاصله هم حتی می شد بی شرمی و آزار را در چشمان ماهی

## می

سوسن بهار

می توان از کوچ‌های کودکی نغمه بر لب شاد و پا کوبان  
گذشت  
می توان هم چون پرستوهای شاد، بال افشان خنده زد بر  
روی دشت  
می توان چون ماه در فصل بهار نور تاباند بر هر چه نیست  
و هر چه هست  
می توان در چشمه‌ی آسوده گی تکیه بر نور ستاره زد،  
نشست  
می توان از باتلاق رنج و کار سر برون آورد، رها شد،  
حلقه و زنجیر را از هم گسست!

انگشتان نه چندان ظریف، اما توانایش روی پیانو در حرکت  
بود با خودش فکر کرد: حالا چرا و کی گفته کسی که پیانو  
می نوازد باید انگشتان ظریف و بلند و دستی کشیده داشته  
باشد؟ شاید از منظر تماشاگر و بعد زیباشناسی نگاه او  
شاید، وگرنه با همین انگشت‌های نه چندان کشیده هم  
او تا به حال اعجاز کرده و چه شورها که نیافریده بود و  
چه اشک‌ها که روان نساخته بود.

شروع به تمرین کرد. به آن دخترک کوچک مو فرفری قول  
داده بود که آهنگی برایش بسازد.

در حال بازی با شاسی‌های پیانو زیر لب دو، ره، می، فا،  
سل، لا، سی، گویان به آهنگ فکر می کرد. دور سوم دو،  
ر، می، روی «می» ایستاد و زیر لب زمزمه کرد:

«می!» می شد که جهان بدین گونه نمی بود؟ دستی به  
پیشانی اش کشید. انگار که مگس مزاحمی را پپراند، نجوا  
کرد: کاش می شد، اگر جهان زیباتر می بود، اگر فقس نبود،  
اگر زندان نبود، اگر کودک ۱۱ ساله خودش را نمی کشت،  
اگر می توانستیم، اگر می خواستیم، اگر می شدیم، اگر  
می خواندیم ترانه‌ی آزادی مان را، اگر فریاد می زدیم  
دردهامان را. سرش را روی کلیدهای پیانو گذاشت. داد  
فا و سل در آمد و او هنوز در فکر «می» بود. می تواند آیا  
برای دخترک مو فرفری آهنگی از جنس می شوندها بسازد؟  
آهنگی که برایش بخواند:

کودکی یعنی شادی، یعنی آزادی، یعنی طراوت، آهنگی  
که می توانست و می بایست تمام شادی‌های جهان را در  
خود جمع کند و غم‌ها را فراری دهد.

باد ملایمی پنجره را باز کرد. پرده‌ی سفید گل مخملی  
با نسیم به رقص در آمد، بوی بنفشه‌های وحشی و بوی  
قطره‌های باران هم راه بوی چمن تازه باران خورده به  
درون آمد، صدای بلبل او را از جا کند، عنده‌لیب؟ مگر  
این جاها عنده‌لیب هم پیدا می شود؟ در لیست پناه جویانی  
که حکم اخراج شان آمده بود، اسم آقای عنده‌لیبی را دیده  
بود؛ اما شنیدن صدای عنده‌لیب؟ آن هم این جا؟ دستانش  
را تا آن جا که می توانست از هم گشود تا بتواند تمام این  
عطر و نوا و زیبایی را در آغوش بگیرد.

به طرف پیانوش بازگشت و آهنگی ساخت که فقط در  
آن نت «می» با هزار نوا آمده بود:

می شود، می توان، می آید، می خواند، می رود، می دود،  
می آورد، می رقصد، می خروشد، می نوشد.

فردای آن روز دخترک مو فرفری در کنار او جلوی پیانو  
ایستاده بود و به همراه نغمه‌ی جان بخش پیانو می خواند:





# از دفتر خاطرات یک دختر جوان



ها انتخابش نکردن؟ شما به این دوست جوان چه می‌خواهید بگوئید؟ جواب های شما و پدر و مادرها را تحت نام داروگ می‌پرسد، در شماره‌های بعدی تعقیب می‌کنیم و ورقی دیگر از دفتر خاطرات دختر جوان را برای تان می‌نویسیم. جواب جدول

افقی

۱- زن و مرد.

۲- آزادی

۳- رگ‌دار.



امروز صبح قبل از زنگ ساعت بیدار شدم. باید دوش می‌گرفتم، از شانس بد من، برادرم زودتر بیدار شده بود و در حمام بود، در زدم، در را باز نکرد، در جواب خواهش و التماس گفتم، تو که ۴ تا شاخه شوید روی سرت بیشتر نداری زیر دستشویی بشور، می‌دانستم تلافی می‌کند، از بس این حرف را به او گفته بودم. می‌دانستم التماس هم بی‌فایده است، سرم را زیر شیرآشپزخانه گرفتم مامان دادزد: از بس این موها را شستی از بین رفت، مگر تو دیروز حمام نرفتی؟ در حالی که حوله را دور سرم می‌بستم لبخندی زدم و گفتم قربون مامان خوشگلم برم. قروبون من نمی‌خواد بری، بعد از ظهر زودتر بیا خونه مهمون داریم.

اما مامان! من آخه با دوستام قرار دارم.

پدر وارد شد و گفت: اما، ماما نداریم سر ساعت ۶ عصر خونه باش!

برادرم از توی حمام زیر آواز زده بود، بادا بادا مبارک بادا. و من گریه می‌کردم، مامان با دیدن اشک‌های من؛ دلش سوخت، نه مادر شوخی می‌کنه. می‌شناسیش که. خبری نیست یک، عصرانه معمولی با خانواده غضنفری.

تمام عصر را از بس گریه کردم، سرم درد گرفت، یک عصرانه معمولی همان و قرار مراسم نامزدی همان، باور نمی‌کنم؛ توی این دوره که دخترها این همه در همه جای زمین آزادند. من اجازه انتخاب همسر خودم را نداشته باشم.

ساکم را بسته‌ام، فردا با هوتن، به دویی فرار خواهیم کرد، خیلی وقته این قرار رو گذاشتیم، دلم برای مامان و بابا و این برادر لج باز تنگ می‌شه اما نمی‌دونم چرا با هوتن مخالفت می‌کنند؟ چون من دوستش دارم؟ و اون

## جواب جدول

افقی:

۱- زن و مرد ۲- آزادی ۳- رگ‌دار ۴- ماهر ۵- هما ۶- نی. ناز ۷- س.ا.و ۸- ل. وداع.

عمودی:

۱- ز. رم. نسل ۲- ناآگاهی ۳- وز. هم. او ۴- مادران. د ۵- ردا. او ۶- دیرباز. ع.

۶	۵	۴	۳	۲	۱

۶	۵	۴	۳	۲	۱



## داروگ می پرسد



از تعدادی دوستان کوچک و بزرگ دختر و پسر در مورد تبعیض جنسیتی پرسیدیم.

برای دوستان کوچک مان توضیح دادیم منظورمان از تبعیض جنسیتی چیست. شما هم اگر نظری دارید برای مان بنویسید.

تئودور ۷ ساله :

عزیزم می توانی برایم به گویی نظرت در باره این که بعضی ها فکر می کنند دخترها نباید همه چیز مثل پسرها داشته باشند و از آن ها کمترند چیست؟

تئودور: واقعا چنین کسانی هستند؟

داروگ: خب بله مثلا آن ها که می گویند دخترها باسیلند و باید از آن ها دوری کرد.

تئودور: خب باید یاد بگیرند که این حرف ها مسخره است. من که با همه همکلاسی هایم چه دختر و چه پسر دوستم و دخترها همه من را دوست دارند.

آنا ستینا ۶ ساله

عزیزم تو فکر می کنی بین دخترها و پسرها فرق هست؟ یعنی یکی شان از دیگری بهتر است؟

آنا ستینا: بله ما دخترها بهتریم. پسرها فکر می کنند که قوی ترند اما من از همه شان جلو تر می دوم.

داروگ: نه منظورم این است که آیا می توان به خاطر دختر یا پسر بودن، بین آدم ها فرق گذاشت؟

آنا ستینا: نه، نباید همه ما از نژاد انسانیم. خانم معلم گفته فریبا ده ساله:

عزیزم تو می دانی تبعیض جنسیتی یعنی چی؟

فریبا: بله، یعنی این که برادرم می تواند بیرون و در کوچه بازی کند و من نه.

کریم ۱۲ ساله

کریم جان نظر تو در باره فرق گذاشتن بین دخترها و پسرها چیست؟ کریم: خوب فرق که داریم، خیلی هم اما این که آن ها از ما کمتر می فهمند را قبول ندارم. ولی ضعیف ترند.

پریوش ۹ ساله

عزیزم می دانی تبعیض یا فرق گذاشتن بین پسر و دختر چیست؟ پریوش: بله یعنی این که من چون دخترم خیلی از کارها را نباید انجام بدهم، مثل بازی در کوچه، خوابیدن خانه دوستانم، بستن در اتاقم. اما بعضی کارها را باید انجام دهم، مثل کمک به مامان در کارهای خانه و برادرم نه.

منوچهر ۱۳ ساله

عزیزم تو می دانی تبعیض جنسیتی یعنی چه؟ نظرت چیست؟ منوچهر: بله یعنی این که من از خواهرم بهترم و در این شکی نیست، طبیعت مرد را قوی تر و داناتر خلق کرده است اما این دخترها اصرار دارند که ثابت کنند چنین نیست. البته می دانید که شوخی می کنم. خب به خیلی چیزها بستگی دارد، فرهنگ درسته؟ نظر من این است که بین آدم ها نباید فرق گذاشت ما این را در مدرسه یاد گرفته ایم.

پتر ۱۶ ساله

سلام پتر حاضری در یک همه پرسی یک مجله جوانان ایرانی شرکت کنی؟

بله با کمال میل

نظرت در باره تبعیض جنسیتی چیست؟

عجب سوال سختی.

چرا؟

چون اگر حقیقت را بگویم پسرها ناراحت و دخترها خوشحال می شوند و اگر حقیقت را نگویم برعکس.

و حقیقت:

انسان ها برابرند، باید باشند در غیر این صورت جامعه سالم نخواهد بود. مثل جامعه بیمار ما می شود.

چرا بیمار؟

این همه ظلم و تبعیض نشان بیماریست میدانی؟ من ماجری قدیمه را که به دلیل قتل های ناموسی کشته شد خواننده ام نمی توانم باور کنم نمی توانم.

داروگ: ممنون

مالین ۱۸ ساله

سلام می توانی در باره تبعیض جنسیتی توضیح بدهی؟

بله، وجود دارد جهانی ست بعضی جاها شدید و شرم آور، بعضی جاها شرم آور و خفیف

می توانی مثالی بزنی.

بله مثلا هنوز در همین جامعه سوئد نگاه به ما دختران با پسران متفاوت است. و با وجود این که حق حضانت فرزندان با مادر است یا بهتر بگویم مساوی است، اما زنان وقت بیشتری را باید بگذارند و از خیلی چیزها عقب می مانند.

فرزاد ۱۹ ساله

سلام فرزاد جان می خواهم در باره ی تبعیض جنسیتی از تو سوال

بله این که جدا از قوانین، حتی خانواده‌ها هم بین دختر و پسر فرق می‌گذارند به خصوص در باره مسائل شخصی و رابطه‌ی بین دختر و پسر خیلی ناراحت می‌شوم.

کنم حاضری؟  
بله حتما.  
نظرت چیست؟



اما یک چیز را هم باید بگویم، این که بعضی از فمینیست‌ها همه چیز را تقصیر مرد می‌دانند آزرده می‌شوم. به نظر من مساله مربوط به جامعه است نه فرد.

خوب می‌دانید که من در سوئد به دنیا آمده‌ام، اما ارتباط زیادی با افراد خانواده و فامیل در ایران دارم، به ایران سفر می‌کنم و خیلی چیزها را از نزدیک می‌بینم و واقعا خجالت می‌کشم. می‌توانی توضیح بدهی؟

ممنون

## جدول

۵- لباس بلند پزشکان و معلم‌ها در قدیم. صدا.  
۶- قدیم‌ها.

	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱						
۲						
۳						
۴						
۵						
۶						
۷						
۸						

افقی:

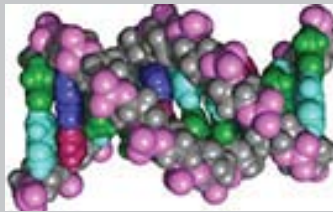
- ۱- باید باهم برابر باشند، اما نیستند.
- ۲- برای همه مثل هوا ضروری است.
- ۳- خون را به همه جای بدن منقل می‌کند. به معنی درخت است. اما مرگ را تداعی می‌کند.
- ۴- کسی که در کاری مهارت دارد.
- ۵- پرندگی سعادت.
- ۶- نوایش آدم را یاد چوپان می‌ندازد.
- ۷- گلی زیبا که به معنی زیبایی و مهربانی هم هست. \*\*\*\*
- ۸- بدرود، خداحافظی.

عمودی

- ۱- پایتخت ایتالیا. نام دیگر تبار.
- ۲- یکی از دلایل تبعیض جنیستی.
- ۳- مخفف از او. حرف پیوند. تونه!
- ۴- بیشترین سهم را در بزرگ کردن فرزندان دارند.



## تازه های علم



## آمیزش جنسی با انواع دیگر، نوع انسان را قوی تر کرد!

محقق میکرو بیولوژی است بر روی این مساله تحقیق کرده است. او به آنالیز این مساله پرداخته و مشخص کرده که دقیقاً کدام ژن ها را انسان های هموساپین از نئاندرتال ها به ارث برده اند. این محقق، از طریق مقایسه ژن های انسان امروزی با دی ان آی فسیل های نئاندرتال به این نتیجه رسیده است. پرفسور پرهام بر روی گلبول های سفید لئوکوسی آنتانت، تحقیق کرده است که به آن ها اچ ال آ هم می گویند، این گروه ژن ها شامل ۲۰۰ ژن هستند که در کروموزم ۶ وجود دارند، و برای سیستم دفاعی ضروری اند. از مجموع این ۲۰۰ ژن دکتر پرهام فقط بر روی سه تا تحقیق کرده است، اچ ال آی، آ، ب و ث این سه ژن با کدهای مختلف اچ ال آی، برای پروتئین های مختلف داشتند، از جمله در پروتئین های گلبول های سفید، و این گلبول ها سیستم دفاعی بدن را در برابر بیماری های تحریک می کنند. در سطح جهانی صدها نوع مختلف از اچ ال آی، های اچ ال ب و اچ ال ث وجود دارد و این بنوبه خود باعث می شود که آدم های مختلف خصوصیات منحصر بفردی داشته باشند که از پدر و مادر خود به ارث برده اند، و این به معنی این است که هر فرد شش نوع مختلف از این ژن ها را دارد و به همین دلیل آدم هایی که با هم خویشاوند نیستند می توانند تیپ های کاملاً متفاوتی از این ژن ها را داشته باشند و به این شکل دکتر پرهام می گوید: اچ ال آی ژن ها تعیین می کنند که، سیستم دفاعی هر کس منحصر به فرد باشد.

### آمیزش جنسی تنوع بشر را ضمانت کرد

وقتی که پرفسور پرهام ژن های اچ ال آ را در انسان معاصر اروپایی و آسیایی مورد بررسی قرار داد، بسیاری از اچ ال آ های ژن ها را با اچ ال آ های نئاندرتال ها یکی دید.

در بررسی ها و تحقیق از دی ان آی یک اسکلت نئاندرتال این نتیجه قطعی بدست آمد که نئاندرتال ها از پدر و مادرهای مشترک همی ما همویدلبنگسیس به وجود آمده اند. که بعد از هموترستوس ها به وجود آمده بودند.

همویدل برکنسیس ۵۰۰ هزار سال قبل از آفریقا آمده و در اروپا مقیم شده است. و تعداد کمی از آن ها به آسیا رفته اند و مدتی بعد خودشان را با عصر یخ وفق داده اند.

اولین انسان های مدرن زمانی که آفریقا را ترک کردند ( انسان های اولیه) در مقابل تمامی بلاهای طبیعی از جمله بیماری ها کاملاً بی دفاع بودند. آمیزش با انسان های نئاندرتال و سایر انواع در آفریقا در آن ها ژن های به وجود آورد که قدرت مقابله با بیماری ها و مشکلات را در آن ها تقویت کرد. به همین دلیل زنده ماندند و توانستند در سراسر کره زمین پخش شوند.

حدود صد هزارسال پیش وقتی که انسان های اولیه هموساپین آفریقا را ترک کردند، در واقع فقط به سمت نقاط دیگر کره زمین حرکت نکردند، بلکه بسوی انواع و اقسام بیماری ها و خطرات حرکت کردند. بیماری های که قبلاً در آفریقا با آن ها در رو برو نشده بودند و به همین دلیل مکانیزم دفاعی در مقابل آن ها نداشتند. همان طور که می دانیم از انواع انسان های اولیه، هموساپین ها تکامل پیدا کردند و توانستند در سراسر کره زمین خود را تکثیر کنند. و انواع دیگر انسان های اولیه قبل خود را پشت سر گذاشتند.

تحقیقات جدید بر روی ملکول های ژن ها نشان داده است که باید از نئاندرتال ها و سایر انواع آفریقایی انسان های اولیه برای بسیاری از موارد رشد و تکامل نوع انسانی خودمان متشکر باشیم. این تحقیق جدید نشان می دهد که هموساپین ها در حال گذر شان با انسان های نئاندرتال و انواع دیگر انسان های اولیه آمیزش کردند، در آن زمان نئاندرتال ها دوستانه هزار سال زندگی کرده بودند، و مکانیزم بدن شان در مقابل بیماری های که در آن قاره وجود داشت، تکمیل شده بود، و به عبارت دیگر کلید ادامه زندگی و مقابله در مقابل مشکلات را پیدا کرده بودند. انسان مدرن از طریق آمیزش توانست ژن های مقاومت نئاندرتال ها را به ارث ببرد و از این طریق مکانیزم دفاعی اش بالا برود و بتواند به زندگی ادامه دهد.

### سیستم دفاعی هر انسان منحصراً به فرد است

دانشمندان از دیرباز می دانستند که هموساپین ها با نئاندرتال ها آمیزش داشته اند، اما این که این آمیزش جنسی چه وزن مهمی در تکمیل شدن سیستم دفاعی و تکامل انسان هموساپین و مدرن داشته است را نمی دانستند.

پرفسور پتر پرهام در دانشگاه ستانفورد که

به همین ترتیب عمل می‌کنند و به ضریب یقین از انسان‌های اولیه به ارث رسیده‌اند. دانشمندان هنوز این امکان را ندارند که به قطعیت بگویند تمامی این اچ‌ال‌ها از نئاندرتال‌ها یا دینوسواها آمده‌اند یا از بشر اولیه بسیار قدیمی‌تر. ارقامی که در پایین آمده است به طرز تقریب نشان می‌دهد که چه مقدار از اچ‌ال‌های ما از دینوسوا نئاندرتال‌ها آمده است و چه مقدار از بشر اولیه بسیار قدیمی‌تر. واقعیت این است که بیش از ۵۰ درصد اچ‌ال‌های اروپایی‌ها از انسان‌های اولیه و قدیمی‌تر آمده است. این رقم در مورد چینی‌ها به ۷۲ درصد افزایش پیدا می‌کند و ۹۰ درصد برای انسان‌های پاپوا، لینوای جدید.

بنا به پرفسور پرهام تعداد زیادی از این اچ‌ال‌ها هنوز در بدن انسان وجود دارد چرا که سیستم دفاعی و سلامتی انسان را بالا برده‌اند.

ژن‌های اچ‌ال‌آ به هموساپین‌ها این امتیاز را دادند و به این دلیل فرکانس ارزش بالا را گرفته‌اند.

این که در صد اچ‌ال‌آها در بشر امروزی متفاوت است را پرفسور پرهام این‌گونه توضیح می‌دهد که گویا انسان‌های اولیه در مکان‌های مختلف و

زمان‌های مختلف به شکل گروهی از جای به جای دیگر مهاجرت کرده‌اند و با انواع دیگر خودشان آمیزش جنسی داشته‌اند.

جدا از این که ما چه نوع اچ‌ال‌آیی را به ارث برده باشیم، به نظر می‌آید که یک تشکر درست و حسابی به اجداد اولیه مان بدهکاریم.

پرفسور پرهام می‌گوید: بعضی از ژن‌های انسان‌های اولیه، کلید رمز زنده ماندن در زمان قدیم و اصلاح نسل هموساپین و توسعه امروزی ابنای بشر شده است.



به تعداد کمتری در آسیا وجود داشته‌اند، ژن‌های قوی دفاعی اچ‌ال‌آ ۱۱، آ، به بشر مدرن منتقل شده است.

تکامل قاره‌ای بشر به نظر می‌رسد به این گونه پیشرفته است که گروه‌های کوچک‌تری از اعضای قبیله از هم جدا شده‌اند و در گروه‌های کوچکتر مهاجرت کرده‌اند، بارها و بارها. به دلیل این حرکت دایره وار موقعیت‌هایی پیش آمده که این گروه‌ها اچ‌ال‌آی شان را از دست داده‌اند. پرفسور پرهام می‌گوید: این آمیزش جنسی با آفریقایی‌ها باعث اصلاح ژن‌ها و قوی‌تر شدن انسان امروزی شده است.

### ژن‌های قدیمی باعث پیشرفت ما شده است



علی‌رغم این که نئاندرتال‌ها و دینوسواها حدود سی هزار سال پیش منقرض شده‌اند، ژن‌های شان در بشریت مدرن به حیات خود ادامه می‌دهند. از طریق آنالیز یک اچ‌ال‌آی نئاندرتال و یک اچ‌ال‌آی دینوسوا، پرفسور پتر پرهام یک میانگین اچ‌ال‌آی مشترک در هر دو نوع پیدا کرد و بعد از آن تقسیم شدن این اچ‌ال‌آها را در بشریت مدرن مورد تحقیق قرار داد و نتیجه بدست آمده این شد که اچ‌ال‌آی (ث ۰۷۰۲) که از نئاندرتال‌ها می‌آید امروز هم در آسیایی‌ها و هم در اروپایی‌ها وجود دارد.

علاوه بر این اچ‌ال‌آی (ب ۰۷) بیش از همه در بین اروپایی‌های امروز وجود دارد. از طریق وسعت و چگونگی پخش این اچ‌ال‌آها پرفسور پرهام توانست اچ‌ال‌آهای دیگر را شناسایی کند. اچ‌ال‌آهایی را که

پاهایشان کوتاه و قوی شد قفسه سینه پهن شد و ماهیچه‌های قوی پیدا کردند. و همو نئاندرتال‌نسیس پا به عرصه‌ی وجود گذاشت.

تحقیقات پتر پرهام نشان داده است که این انسان مدرن با نئاندرتال‌ها آمیزش جنسی کرده است و حدود ۴۵۰۰۰ تا ۶۰ هزار سال پیش به اروپا و تعداد کمتری به آسیا آمده. به عنوان مثال پرفسور پرهام کشف کرد که یک نوع اچ‌ال‌آ (ث ۰۲۰۷) بین اروپایی‌ها و آسیایی‌ها مشترک است و درست همین اچ‌ال‌آ را پرفسور پرهام در کد ژنتیکی نئاندرتال‌ها دیده بود. و این نشان می‌دهد که هموساپین این اچ‌ال‌آ را از طریق آمیزش جنسی با نئاندرتال‌ها بدست آورده است. این اتفاق درست وقتی افتاده

که هموساپین‌ها آفریقا را ترک کرده‌اند برای این که در انسان آفریقایی معاصر دقیقاً این ژن وجود ندارد. به همین طریق پرفسور پرهام کشف کرد که اچ‌ال‌آی، آ ۱۱ به بشر کنونی آسیایی منتقل شده است نه آفریقایی. این اچ‌ال‌آ را او در ژن دینوسووافیندس پیدا کرد.

دینوسووافیندس یک نوع کاملاً تازه کشف شده و جدید است که در سال ۲۰۱۰ از طریق یک انگشتش

مورد آزمایش قرار گرفت. و دانشمندان زمین شناس او را در غار دینوسوا در کوه‌های آلتاج در جنوب سیبری پیدا کردند.

از طریق آنالیز کردن انگشت او دانشمندان ثابت کردند که این دینوسوا با نئاندرتال‌ها خیشاوند است. از طریق ذغالی که در خاک محل کشف شدن این انسان اولیه بدست آمد. ذغال، ۱۴، تخمین زده شد که این انسان حدود سی تا چهل و هشت هزار سال پیش زندگی می‌کرده است. در حالی که تحقیقات دیگر نشان داده است که در غارهای اطراف دینوسوا اسکلت انسان‌های اولیه از ۱۲۵ هزار سال پیش پیدا شده بوده.

تحقیقات دکتر پرهام نشان می‌دهد که ژن این انسان در بشر امروزی وجود دارد. هموساپین‌ها با احتمال یقین با دینوسواها آمیزش جنسی داشته‌اند. از طریق دینوسواهایی که

## شعر ... شعر ... شعر ...



دو شعر از فهیم بخشی

کاش هر لحظه دل هزاران بار  
گر بگیرد برای کودک کار  
پا به پاهای نازکش بدود  
تا کجایی که می کشد اجبار  
مدتی ناز مادری کشد از  
سرو نورسته ای چنین سالار  
بر ترک های تُرد دستانش  
لب سپارد سپردنی کشدار  
بخدا این ستاره سهمش نیست  
طالعی با طلوع غرق غبار  
بس که ای کاش های رنگین را  
هی فرو خورده در گلو ناچار  
چشم و گوشش همیشه سیر است از  
وعده های به سینه دیوار  
از دمت گرم و آفرین ها تا  
گفت مفت و نگاه معنی دار  
بی سخن ، از نگفته ها سرشار  
اوج هموار هرچه ناهموار  
کاش می شد زمین تکان بخورد  
آسمانی شود، ترانه تبار  
نیمه شب ها دوباره یال امید  
پر بگیرد و کاخ غم آوار  
در هیاهوی گنگ این بازار  
صد زمستان فدای بوی بهار  
می رسد لذتی که کودک کار  
شاد و لی لی کنان و جیغ و هوار

\*\*\*

### همیشه غایب

کودکان همیشه غایب نیمکت های چشم به راه  
در خیابان دود و بوق و دروغ  
- آقا تورا به خدا بیاین کفشاتونو واکس بزنم  
و کفش هایی که التماس های ماسیده در سرما را عبور می کنند  
خیابانی به بزرگی روز جهانی کودک  
خیابانی به کوچکی کنوانسیون حقوق کودکان  
خیابانی به اندازه ی لبخندهای رنگ باخته ی اسکناس های پنجاه

تومانی  
در آغوش لحظه های دود الود  
و آغوش خالی مادران رختشوی محله های شمالی  
روزهای گرسنگی کم خونی بی پناهی  
- شیشه پاک می کنیم فقط صد تومن  
شتاب دست ها و دستمال ها  
در خیابان های متراکم خرداد و مرداد  
گرماده ی محبت بی دریغ کولر پژوها و پاترول ها!  
کودکان کارگاه و کوره پزخانه  
کودکان مزرعه و ساختمان  
کودکان امروز و هر روز  
کودکان فرداهای نافرجام  
و گوری کوچک  
و دست های خسته ای که گیسوان خاک را چنگ می زنند.





### «فواست و تلاش ما لغو بی درنگ قوانین قابل سرزنش علیه کودکان ایران است»

ما از تمامی نهادها، سازمان‌ها و موسسات مدافع حقوق کودکان می‌فرواهیم با امضای این قطع‌نامه، در امر لغو بی‌درنگ مجموعه‌ی قوانین کودک آزار ذیل مدارفله‌کنند.

مطابق ماده‌ی ۱۲۱۰ قانون مدنی، هیچ‌کس را نمی‌توان بعد از رسیدن به سن بلوغ به عنوان جنون یا عدم رشد معیور نمود، مگر آن‌که عدم رشد یا جنون او ثابت شده باشد. و مطابق تبصره‌ی ۲ همان ماده، اموال صغیری را که بالغ شده است در صورتی می‌توان به او داد که رشد او ثابت شده باشد.

تبصره ۱: سن بلوغ برای پسران پانزده ساله قمری (پهارده سال و هفت ماه) و برای دختران نه ساله قمری (هشت سال و نه ماه) است. در زمینه‌ی حقوق جزایی، بر اساس تعاریف سن بلوغ برای کودکان عمل می‌شود و به همین دلیل مجازات اعدام و انواع دیگر مجازات‌ها برای کودکان زیر هجده سال وجود دارد. اما وقتی که نوبت دخاله در حاصل دست‌رنج کودکان می‌شود، این ماده می‌گوید: بالغ شدن شرط رشد نیست و کودک حق تصرف دست‌مزد خویش را ندارد.

ماده‌ی ۱۰۴۱ قانون مدنی جمهوری اسلامی تصریح می‌دارد که ازدواج قبل از سن بلوغ ممنوع است.

تبصره: این قانون تصریح می‌دارد ازدواج قبل از سن بلوغ با صلاح دید و نظر مراجع ذیربط بدون مانع است.

سن قانونی ازدواج برای کودکان دفتر در ایران سیزده ساله است. تبصره‌ی ماده‌ی ۱۰۴۱ اجازه‌ی ازدواج قبل از این سن را با صلاح دید ایوبین یا مراجع دیگر بلامانع می‌شمارد. فقر مالی و فرهنگی بسیاری از خانواده‌ها در پدیده‌ی کودک همسری و مرگ و میر زیر هجده سالگی فحایح زیادی به بار آورده است از جمله مرگ کودکی هشت ساله‌ی یمنی در اثر خونریزی بعد از ازدواج در ماه‌های اخیر است.

– ما فواهان تعیین سن رسمی ازدواج هجده ساله بر اساس استانداردهای پیشرو بین‌المللی و ممنوعیت کودک همسری هستیم.

ماده‌های ۲۹ تا ۸۴ قانون کار جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با ممنوعیت کار کودکان زیر پانزده ساله است. اما طبق تبصره‌های ۱۶۸ و ۱۸۸ این قانون، کارگاه‌های خانوادگی و مجموعه‌ی کارهایی که کارفرماهاشان ایوبین (پدر، جدپدری) هستند، هم چنین کارگاه‌های کوچک و مانوفاکتورها، از این قانون معاف می‌باشند.

– ما فواهان اجرای کامله مقاله‌نامه‌های ۱۸۲ و ۱۸۹ در ارتباط با کار کودکان هستیم.

طبق ماده‌ی ۲۲۰ مجازات کشوری، اگر کودکی توسط پدر یا پدربزرگ و جد پدری به قتل برسد، مجازات قصاص برای قاتل وجود نخواهد داشت و با پرداخت دیه و ده روز زندان آزاد می‌شوند. بنا به قوانین قهقی در زمینه‌ی تادیب، حد تنبیه کودکان عدم مردن آن‌هاست.

ماده‌ی ۱۴۹ مجازات عمومی جمهوری اسلامی بیان می‌کند کودکان در صورت ارتکاب جرم از مجازات کیفری معاف هستند. در صورت لزوم به کانون اصلاح و تربیت فرستاده می‌شوند.

تبصره‌ی ۱: کودک کسی است که به سن بلوغ نرسیده باشد، طبق تعریف شرعی بلوغ.

تبصره‌ی ۲: اگر به منظور تربیت تنبیه بدنی لازم است باید در حد متوسط باشد.

با توجه به ماده‌ی قانونی ۱۲۱۰، سن بلوغ برای دختران نه ساله و پسران پانزده ساله است. و در تنبیه طبق قانون مجازات عمومی شامل مجازات اعدام هم می‌شوند. «امنستی اینترناسیونال» از سال ۱۹۹۰، ۱۲۱ مورد اعدام زیر هجده ساله را در ایران گزارش کرده است. یازده نفر از این کودکان تا رسیدن به سن هجده در زندان نگه‌داشته شده و بعد به قتل رسیده‌اند و ده نفر در حالی که زیر هجده سال بودند اعدام شده‌اند.

– ما فواهان لغو قوانین کودک آزار جمهوری اسلامی از جمله قانون مدنی ۱۲۱۰ و فواهان لغو مجازات اعدام در تمامیت آن هستیم.

ماده‌ی ۳۷ کنوانسیون حقوق کودک، که تمامی دولت‌های امضاکننده و از جمله جمهوری اسلامی ملتزم به رعایت آن هستند، در این مورد تصریح می‌کند: «نه مجازات اعدام و نه حبس ابد نباید بدون امکان آزاد شدن برای کودکان زیر هجده سال وجود داشته باشد».

– هیچ‌کس حق تنبیه کودکان را ندارد. آن‌ها نباید در زندان در کنار بزرگ‌ترها قرار داده شوند.

بر اساس بند ۲ ماده‌ی ۹۷۶ قانون مدنی جمهوری اسلامی، اصل جنون یا تابعیت نسبی تنها از راه پدر به رسمیت شناخته می‌شود. بنابراین، کودکان ناصح از ازدواج مادران ایرانی و پدران افغانستانی از تابعیت ایران معیور بوده و امکان دریافت شناسنامه ندارند. بنا به آمارهای اعلام شده، تنها در استان فراسان ۵۶ هزار کودک فاقد شناسنامه حاصل از ازدواج مادر ایرانی با پدر افغانستانی وجود دارد. در عین حال، بر اساس همین قوانین ارتباعتی، این‌گونه کودکان و نیز تمامی کودکان افغانستانی ساکن ایران از امکان تحصیل و آموزش معیور بوده و میبهر به کارهای سفت و پرمشقت در بازارهای کار ایران هستند.

– ما فواهان صدور شناسنامه برای تمامی کودکان بدون شناسنامه و ثبت هویت آنان و هم چنین تحصیل رایگان و اجباری با کیفیت بالا برای آنان هستیم.

# DARVAG

Journal for youth

No.32 - Mars 2015

Editor: Susan Bahar

Adress: Darvag

Box 854

101 37 Stockholm - Sweden

www.darvag.com

E.mail: darvag\_darvag@yahoo.com

Tel: (046) 70- 21 55 257

Postgiro: 1060493-2

ISSN: 2402 - 5914

